نکته

نصیریان نمایشنامه‌نویس

■ در سال‌های میانه دهه ۳۰ بود که گروهی از جوانان مشتاق و هنرمند دور هم جمع شدند و در کنار کارگردانی به نام شاهین سرکیسیان قصد داشتند براساس متد جدید کنستانتین استانیسلاوسکی نمایشی به نام جنوب را در خانه‌ای در ابتدای خیابان رشت همان جایی که الان روبه‌روی دانشگاه امیرکبیر است، تمرین کنند. نمایشی که با وجود ماه‌های زیاد برای تمرین هیچ‌گاه روی صحنه نرفت، اما از آن جمع هنرمندان زیادی به هنر ایران معرفی شدند. خیلی از نام‌آوران تئاتر امروز از همان اتاق بالاخانه او در خیابان کالج سر خیابان رشت، فارغ‌التحصیل شدند، کسانی چون عباس جوانمرد، بیژن مفید، فهیمه راستکار، جمشید لایق، پرویز بهرام، علی نصیریان، اسماعیل داورفر، محمود زنوزی، جمیله شیخی، بهمن فرسی، جعفر والی و... .روزی در میان تمرین آل‌احمد که به همراه دکتر امیرحسین جهانبگلو به دیدن کارشان آمده بود، بعد از دیدن نمایش آنها پرسید که چرا نمایش خارجی؟ چرا با وجود این همه ظرفیتی که در ادبیات ایران وجود دارد، نمایشی با فرهنگ ایرانی نمی‌نویسید. شاید خود آل‌احمد هم فکر نمی‌کرد نسل جدید نمایشنامه‌نویسان ایرانی با این جمله وارد عرصه شوند. این جمله باعث شد چند نفر از این جوانان به فکر بیفتند و از این جمع دو نفر یعنی علی نصیریان و بیژن مفید دست به نوشتن نمایشنامه‌هایی زدند. افعی طلایی، براساس داستان داش‌آکل از صادق هدایت، نخستین نمایشنامه‌ای بود که نصیریان نوشت و با کارگردانی عباس روی صحنه رفت. جعفر والی در خاطراتش درباره این نمایش می‌گوید: «در بحث و جدل‌هایمان در مورد تئاتر، ما به این نتیجه رسیدیم که باید از تئاتر ایرانی شروع کنیم. عباس جوانمرد با دو داستان صادق هدایت شروع کرد؛ محلل و مرده‌خورها... علی نصیریان با اقتباس از داش‌آکل نمایشنامه‌ای نوشت به نام افعی طلایی.» اینجا بود که علی نصیریان بازیگر جوان حالا در نقش یک نویسنده ظاهر شد. با اینکه افعی طلایی نخستین نمایشنامه علی نصیریان بود، اما مهم‌ترین نمایشنامه‌ای که نصیریان در این دوران نوشت، بلبل سرگشته بود. این نمایش براساس رمان افسانه‌ای قدیمی نوشته شده بود؛ داستان خواهر و برادری است که مادرشان را از دست دادند. پدرشان زنی گرفت و به خانه آورد. اما این زن با بچه‌ها نمی‌ساخت و هر شب جار و جنجال به‌پا می‌کرد. در نهایت هم پسر را می‌کشد و خواهر استخوان‌هایش را دفن می‌کند و از جای دفن آن بلبلی می‌آید که می‌خواند

منم، منم بلبل سرگشته

نصیریان در اولین مسابقه نمایشنامه‌نویسی در ایران در سال ۱۳۳۵ موفق به کسب جایزه اول این مسابقه برای نمایشنامه «بلبل سرگشته» شد و در سال ۱۳۳۹

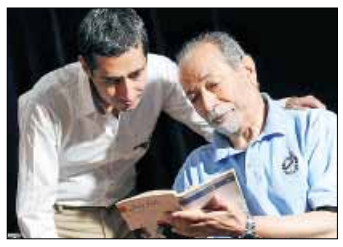

(۱۹۶۰ م) در اولین حضور ایران در فستیوال بین‌المللی تئاتر در پاریس این نمایش را به اجرا درآورد. او در سال بعد (۱۹۶۱ م) جهت بازدید از فستیوال تئاتر یونان به آتن سفر کرد و در سال ۱۳۴۱ (۱۹۶۲ م) با استفاده از یک بورس مطالعاتی شش‌ماهه جهت مطالعه تئاتر آمریکا نمایشنامه‌نویسی محی‌الدین را کامل کرد.

او بعدها چندین نمایشنامه دیگر نوشت مانند «لونه شغال»، «سیاه»، «هالو»، «نگار»، «رویا» و بنگاه تئاترال که همه براساس داستان‌های ایرانی کهن بود.

علی نصیریان بیشتر آثار خود را براساس اقتباس تالیف کرده است و سه شیوه برای اقتباس بر گزیده است.

۱. اقتباس از شیوه‌های اجرایی نمایش‌های سنتی و تیپ‌های نمایش ایرانی مانند: (سیاه‌بازی، خیمه‌شب‌بازی، معرکه‌گیری، نقالی و...)

۲. اقتباس از افسانه‌های کهن و قصه‌های عامیانه

۳. اقتباس از داستان‌نویسان معاصر

در این میان اقتباس از شیوه اجرایی نمایش‌های سنتی ایرانی به ویژه سیاه‌بازی و خیمه‌شب‌بازی بیشترین توجه او را به خود معطوف کرده است. این ویژگی او را از سایر نویسندگان معاصر جدا می‌کند و موجب می‌شود تا شناسنامه فردی برای او صادر شود. نصیریان مواد خام نمایشنامه‌های خود را از جغرافیای فرهنگی جامعه‌ای که در آن تنفس می‌کند، انتخاب کرده و نمایشنامه‌اش را می‌سازد. همانند قطعات یک پازل آن را در کنار هم قرار می‌دهد. برای همین آنچه لذت خواندن آثارش را پدید می‌آورد، ایده‌پردازی او نیست، زیرا او ایده نابی را برنمی‌گزیند بلکه از داستان‌ها و تیپ‌های متداول و کلیشه‌ای (آشنا) سود می‌برد اما آن را در بافتی نو ارایه می‌کند. اما او در نمایشنامه‌های جدیدی که نوشت، مانند «هفت شب با میهمانی ناخوانده»، «بازیگر و زنش» و «آدم خوابش می‌گیرد»، بیشتر روایت‌های امروزی را در قالبی نوستالژیک ارایه کرده است. دکتر قطب‌الدین صادقی معتقد است: «ویژگی جذاب نمایشنامه‌نویسی نصیریان با آن، زبان پخته و تصویری و حس نوستالژیک نیرومندی که در بافت دراماتیک اثر نهفته است، آن است که او در ضمن به عنوان بازیگر و کارگردان، این نوشته‌ها را مستقیما برای اجرای صحنه و به عنوان نمونه‌ای از تئاتر ناب ایرانی می‌نویسد. از این نظر تالیفات او نه به عنوان اثر تفننی یا همچون نمونه‌ای ذوقی برای خلق اثر ادبی و جدا از فرهنگ و ارزش‌های عملی تئاتر، بلکه در کنار فعالیت‌های اجرا و اصلا برای آن نوشته شده است.» (مقاله «چهارگونه سخن درباره علی نصیریان» دکتر قطب‌الدین صادقی؛ مجله نگاه نو، ص ۸۸)

عکس: رضا معطریان، ایران تئاتر

گزارش تمرین دو نمایش «آدم خوابش می‌گیرد» و «بازیگر و زنش»

حکایت تنهایی آدمی

کیمیا امینیان

زن: آدم چشمش نمی‌بینه.

مرد: همه‌اش از پیریه.

زن: آدم گوشش نمی‌شنوه.

مرد... از پشت روزنامه: همه‌اش از پیریه.

زن نگاهی به درخت خشکیده‌ای که در انتهای صحنه قرار گرفته می‌اندازد و با غیظ می‌گوید: مرده‌شور پیری رو ببره که هر چی می‌کشیم از این پیریه... . اصلا آدم دلش می‌خواد بخوابه... .

اما نه. الان که وقت خواب نیست، صبح یک روز آخر هفته است و اینجا هم سالن تمرین یک نمایش است. نمایشی که به جز من و کارگردان و دستیارش فعلا هیچ تماشاگر دیگری ندارد. نه قرار نیست کسی بخوابد. این یکی از جمله‌های پایانی نمایشی به همین نام است که این روزها در سالن اصلی مجموعه فرهنگی هنری فرهنگسرای نیاوران با بازی علی نصیریان و محبوبه بیات در حال تمرین بوده و قرار است همراه با نمایش بازیگر و زنش تا یکی، دو هفته دیگر به کارگردانی محسن معینی روی صحنه برود.

صحنه گرد و تقریبا عمیق فرهنگسرای نیاوران هنوز با ابزار صحنه پر نشده است. تنها یک درخت خشکیده مه با ریشه‌های پر پشتش در انتهای صحنه قرار گرفته و یک تکه فرش و چند صندلی لهستانی. علی نصیریان روی فرش نشسته و در حال روزنامه خواندن است. محبوبه بیات با عصای مشکی‌ای آرام آرام به جلو صحنه می‌آید و نمایش – تمرین نمایش – آغاز می‌شود.

این دو نمایش از نمایشنامه‌های سال‌های اخیر علی نصیریان است که توسط محسن معینی، کارگردان جوان تئاتر دومین اجرای خود را بعد از چند سال روی صحنه می‌برد. او که اردیبهشت ماه با نمایش عقل‌دهم به خانه هنرمندان آمده بود درباره انتخاب این دو متن می‌گوید: «خیلی وقت پیش به این دو متن آقای نصیریان برخوردم و این متن‌ها من را مسحور خودشان کردند به این دلیل که ویژگی‌های منحصر به فردی داشتند که کمتر در متون نمایشی ایرانی می‌توان دید. اولین وجهی که این متن دارد، این است که لایه‌های عمیق درونی که دلالت به کهن الگوها و آرکی‌تایپ‌های ایرانی دارد در آن وجود دارد. انگار که بر مبنای یک تئوری زیبایی‌شناسی ایرانی شکل گرفته است.»

از آن جایی که معینی در حوزه فلسفی، تئاتر را دنبال کرده و پایان‌نامه دکترایش هم قابلیت‌های نمایشی رسایل ابن‌سینا بوده به این متون هم نگاهی فلسفی دارد و معتقد است: «بحثی را محی‌الدین ابن‌عربی در فصوص مطرح می‌کند به نام خیال متصل و خیال منفصل. بحث پیچیده‌ای که هانری کربن و فلاسفه دیگری علاقه‌مند شدند که روی فلسفه ایرانی کار کنند. به‌طور عجیبی این خیال منفصل و خیال متصل در این دو متن نمایشی آقای نصیریان وجود دارد. ممکن است نویسنده، آن را ناخودآگاه نوشته باشد اما پروسه خلق اثر هنری و اتصال آن به قول فارابی به ساحتی به نام عقل‌دهم و دریافت مواردی براساس یک محتوای ذهنی از آن عقل‌دهم. اما واقعیت این است که برای درام‌نویس این اتفاق می‌افتد و اثری را خلق می‌کند که به این نقطه می‌رسد. برای من عمق متن آقای نصیریان و به طور خاص دلالت‌هایی که به طور خاص به کهن‌الگوهای فرهنگ ایرانی وجود داشت، جذاب بود که این کار را انتخاب کنم و روی صحنه بیاورم. اولین برخورد من با متن از این لحاظ بود.»

محسن معینی: ویژگی‌های منحصر به فردی این دو نمایش داشتند که کمتر در متون نمایشی ایرانی می‌توان دید. اولین وجهی که این متن دارد، این است که لایه‌های عمیق درونی که دلالت به کهن الگوها و آرکی‌تایپ‌های ایرانی دارد در آن وجود دارد. انگار که بر مبنای یک تئوری زیبایی‌شناسی ایرانی شکل گرفته است

روح نمایش ایرانی

زن و مرد در خیال خود با ایران‌بانو که به نظرشان به دیدن آنها آمدند، صحبت می‌کنند. نمایش اول، یعنی نمایش آدم خوابش می‌گیرد حکایت تنهایی، زوجی است که از طرف تنها فرزندشان که این روزها هم وضعش خوب شده، طرد شده‌اند. حکایت تنهایی، گذشته و فراموشی. علی نصیریان که یکی از نخستین نمایشنامه نویسان مدرن ایرانی بود با تکیه بر نمایش‌های سنتی و فرهنگ ایرانی آثار درخشانی چون بلبل سرگشته و افعی طلایی را نوشت و روی صحنه برد. این نگاه با آنکه این دو نمایش، نمایش‌های مدرن‌تری است نیز در آنها به چشم می‌خورد. این نکته‌ای است که معینی هم به آن اشاره کرده است: «روح نمایش ایرانی را در خود دارد و آن‌های نمایش سنتی را با خود همراه دارد. اما روایت آدم‌های امروزی را در آن قالب می‌گوید: همه عوامل نمایش سنتی مانند استرلیزه بودن، ارتباط صادقه با تماشاگر در این متن‌هاست. در شیوه کار ما هم هست منتهی ما این را از آن بستر نمایش ایرانی جدا و به نمایش خودمان اضافه کردیم.»

معینی می‌گوید: «نمایش ایرانی و به طور کلی زیبایی‌شناسی فرهنگ ایرانی برای من همیشه جذاب بوده و دغدغه‌ای برای اجرای نمایش در تئاتر بوده است. اصلا پایان‌نامه دکتری من در مورد امکانات نمایشی سه تا از رسالات ابن‌سینا بود. درست است آقای نصیریان در متون ایرانی کاری جدی کردند و در این کار هم نکات مهمی را به ما آموختند. در شیوه کارگردانی هم متکی بر زیبایی‌شناسی هنر ایرانی بودم اما نه صرفا فرم نمایش ایرانی. وقتی صحبت نمایش ملی را می‌کنیم اگر صرفا بخواهیم به فرم نمایش ملی اکتفا کنیم ابدا راه به جایی نمی‌بریم. همه چیز در یک ظاهر می‌ماند. این فرم باید براساس یک محتوای نظری شکل گرفته باشد. مادامی که این محتوا را نشناسیم و احیا نکنیم، نمی‌توانیم به آن فرم برسیم. در طراحی میزانسن‌ها، نور، موسیقی و همه عوامل بیرونی و درونی نمایش سعی کردیم.»

درد نوستالژیا

هواپیما به زمین نشسته و مسافران به سمتی می‌روند اما یک زن و مرد با چرخ دستی حیران مانده‌اند و منتظر. مرد عصبانی است و هی به زن می‌گوید که چرا پسرت نیامده است؟

نمایش دوم، نمایش بازیگر و زنش است. نمایش دیگری از علی نصیریان که از نظر ساختاری با نمایش اولی تفاوت دارد. معینی می‌گوید که این نمایش دومی بیشتر عینی است و نمایش اولی ذهنی است. در حین تمرین برایم توضیح می‌دهد که در صحنه اصلی به جای درخت، تابلو انهدام آیدین آغداشلو و یک قطعه فرش در صحنه قرار می‌گیرد: «درخت، درخت زندگی است و مصداقی از باغ ایرانی در فرهنگ ایرانی است. این کارکرد را فرش در نمایش دوم بازی می‌کند. به این دو المان باید تابلو آیدین آغداشلو را هم اضافه کنم که نگاهی که من به متن داشتم را خوب القا می‌کند.»

در نیمه بازی متوجه می‌شویم دعوای میان زن و مرد، دیالوگ‌های نمایشی است که قرار است او با همسرش بازی کند

مرد می‌گوید: «ما دیگه جزو خاطراتیم با درد نوستالژیا زندگی می‌کنیم. تئاتری در کار نیست هرچه هست همین است.»

علی نصیریان در نمایش دوم خیلی شبیه به علی نصیریان نویسنده و کارگردان است. او که از نمایش «پنجره‌ها» به کارگردانی فرهاد آییش روی صحنه نرفته با این نمایش بار دیگر به صحنه بازگشته است. از آنجا که این روزها سکوت کرده، نمی‌دانم که برای بازی در نمایشی که خودش نوشته و به کارگردانی یک کارگردان جوان قرار است با بازی خودش به صحنه بیاید، چه نظری دارد. معینی می‌گوید: «آن وجهی که چرا برای او جالب بود که در این نمایش باشد را خودش باید جواب بدهد اما این وجهش که چه پروسه‌ای طی شد و چه شد که این نمایش انتخاب شد، از آن جایی شروع شد که من دوباره متن را خواندم و جلسه‌ای گذاشتیم و نگاهم را گفتم. او هم گفت اگر یک نگاه جدید این متن را کارگردانی کند، اتفاق بهتری می‌افتد. من شیوه خودم را گفتم و او هم پسندید. دوست داشتم که خودشان هم در کنار نمایش باشد که خوشبختانه پذیرفت و کار شکل گرفت.»

به گفته این کارگردان تئاتر: «برای من حضور او خیلی مغتنم و کار کردن با او دلپذیر و دلنشین بود. آقای نصیریان نگاهی را داشت که ما چندین جلسه با هم دیالوگ کردیم درباره آن و حرف زدیم و در نهایت قضیه را واگذار به خودم کرد. در شیوه کارگردانی اگر نظری داشتند، می‌گفتند و درباره آن صحبت می‌کردیم اما کارگردانی را به من واگذار کردند.»

محبوبه بیات در هر نمایش یک بازی متفاوت ارایه می‌دهد. قبل از اجرا لابه‌لای گفت‌وگوهایش با نصیریان می‌شنوم که می‌گوید سعی کرده در تمرین‌ها هر بار این نقش را یک جور بازی کند. یک شب عصبانی، یک شب بی‌تفاوت... تا نقش دستش بیاید. محسن معینی می‌گوید به چندین گزینه برای این نقش فکر کرده اما در نهایت در گفت‌وگو با نصیریان به بیات رسیدند: «در گفت‌وگو با آقای نصیریان به این نتیجه رسیدیم که خانم بیات بهترین گزینه هستند. بازی حساب‌شده‌ای ارایه می‌دهند. خانم بیات بازیگری توانا و باهوش هستند. آن هم در پروسه تمرین این نمایش که حدود هشت هفته هر روز این دو نمایش را تمرین کردیم. این فشار زیادی را به گروه به‌خصوص بازیگران می‌آورد اما هر دو این استادان در کمال آرامش و صبر ما را همراهی کردند. هر دو کاملا آنچه در ذهنم فکر کرده بودم را به صحنه آوردند.»

معینی، صحنه را تشریح می‌کند و توضیح می‌دهد یک بخش مهم نور و موسیقی داریم که با توجه به اینکه در این نمایش فضا بسیار ذهنی است، نقش مهمی را بازی می‌کنند: «علی قمصری که آهنگساز گروه است چارچوب کارش معلوم است. این تخصص‌گرایی که در این گروه است به موفق شدن این اجرا خیلی کمک می‌کند. پیشینه کار او مشخص است. وقتی نقش خیال را شنیدم، مطمئن شدم که می‌توانم با علی کار کنم. چند جلسه‌ای هم صحبت کردیم و کاملا به یک نقطه‌نظر واحد رسیدیم، یعنی آنچه من در حوزه تئاتر فکر می‌کردم را آقای قمصری در موسیقی فکر کرده بود. به علاوه اینکه تئاتر را خوب می‌شناسد و به نظر من یک اثر درخشان شده است.»

از این کارگردان درباره انتخاب سالن نیاوران می‌پرسم. می‌گوید: «نیاوران را انتخاب کردیم به این دلیل که صحنه‌اش امکانات لازم و کافی را به ما می‌داد. تقریبا اکثر سالن‌ها را با آقای نصیریان دیدیم و به این نتیجه رسیدیم که اینجا مکان مناسبی است. تئاترشهر حال‌وهوایی دارد که تئاتر من خیلی نسبتی به آن پیدا نمی‌کند. علاقه‌ای هم به کار در آنجا ندارم. از نظر موقعیت فضا هم فکر می‌کنم، این حرکت باعث شود یک سالن به سالن‌های تئاتر اضافه شود. حضور بزرگوارانی که در این کار بازی می‌کنند به نظرم به احیای این سالن کمک می‌کند. هر چند که خیلی‌ها علاقه ندارند، سالن اصلی فرهنگسرای نیاوران سالن نمایش باشد و می‌خواهند کاربری سالن همایش را داشته باشد. فکر می‌کنم با چند نمایش خوب حرفه‌ای، این سالن هم در جمع سالن‌های تئاتر تهران جدی گرفته شود.» او می‌گوید این نمایش با تهیه‌کننده خصوصی و بدون هیچ کمکی از بخش دولتی به صحنه می‌آید: «مرکز هنرهای نمایشی هیچ قراردادی با ما ندارد و هیچ حمایتی هم از این کار نکرده است. علاقه‌ای هم نداریم که کمکی کنند. این نمایش کاملا خصوصی انجام می‌شود، مبتنی بر رابطه بین گروه، هنرمند و مردم که رابطه‌ای سالم و مبنای شکل گرفتن این کار بوده است.»

پیش‌فروش بلیت‌های نمایش «بازیگر و زنش و آدم خوابش می‌گیرد» کمی متفاوت از سایر تئاترهاست. بلیت‌های این نمایش در چند فروشگاه معتبر و کتابفروشی ارایه شده و قرار است در چندین کافی‌شاپ از جمله ویونا هم به فروش برسد. معینی می‌گوید: «در شیوه ارایه کار در ایران شیوه منقرض شده و غلطی است. ما یک شیوه جدیدی را برای ارایه این اثر هنری و به طور خاص تبلیغات و بلیت‌فروشی تنظیم کردیم که مبتنی بر تکثر موقعیت‌ها و محور قرار دادن مخاطب است، یعنی ما روی مخاطب تصادفی برنامه‌ریزی نکردیم. روی مخاطب تئاتر که آگاه است و انتخاب می‌کند برنامه‌ریزی کردیم و در یک پلان جدی آن را اجرا می‌کنیم. یک ویژگی که این گروه دارد، این است که آدم‌ها در عالی‌ترین سطح در حوزه‌ای که به کار گرفته شده‌اند، کار کردند. کسی که در حوزه بلیت‌فروشی کار می‌کند، فوق لیسانس تبلیغات است.»

ادامه از صفحه ۹

هنرمند نمی‌خواهد در قید و بند باشد

آیا تا به حال شده یک موسیقی فیلم به نظر خودتان خوب نباشد، اما با اقبال عمومی روبه‌رو شود؟

کارهایی داشتم که انتظار نداشتم مورد توجه قرار بگیرد. یک‌بار در سفر بودم و می‌خواستم از یک قصابی، گوشت تهیه کنم. فروشنده یک جوان ۱۳ یا ۱۴ساله بود. برادرم همراه من بود و به آن جوان گفت به این آقا باید گوشت خوب بدهی چون آهنگ «سربه‌داران» را ساخته است. آن جوان شروع کرد با ریتم آهنگ سربه‌داران گوشت را بریدن! بعد شروع کرد به خواندن ملودی و با ریتم موسیقی، چاقو را حرکت داد. البته آن زمان گوشت مثل حالاگران نبود (خنده)، اما اگر مثلا گوشت کیلویی ۱۵ تومان بود، ۱۰ تومان به من تخفیف داد. می‌خواهم بگویم موسیقی اثرگذار است و حتی روی یک جوان ۱۳ ساله که در قصابی کار می‌کند، هم می‌تواند اثر بگذارد.

چه وقت در ساختن موسیقی فیلم به این نتیجه می‌رسید که با کلام باشد یا بی‌کلام؟

قدرت بیان موسیقی بیشتر از کلام است؛ یعنی با موسیقی بهتر می‌توان احساسات را بیان کرد. ما با کلمات به دنبال صفت‌ها و کلماتی می‌گردیم که مثلا بگوییم دلشوره عجیبی داریم! با موسیقی این احساس بهتر بیان می‌شود. یا حالت اضطراب و ترس بهتر بیان می‌شود، موسیقی میزان و درجه احساسات را هم بهتر بیان می‌کند و البته بعضا شعر، ضرورتی ندارد. در خیلی از سریال‌هایی که من کار کرده‌ام، وقتی موسیقی تمام شده، گفته‌ام که این موسیقی را برای این شعر ساخته بودم و در انتها مثلا یک‌بار هم آن موسیقی را با شعر در قسمت آخر پخش کرده‌ایم که بگوییم از مفهومی که این شعر دارد، استفاده شده است.

چرا بیشتر در تلویزیون فعالیت داشته‌اید تا سینما؟

اغلب فرصت نداشته‌ام. سریال‌ها آنقدر وقت‌گیر بودند که مجالی باقی نمی‌ماند.

موسیقی ایرانی بیشتر به ریتم نزدیک است تا هارمونی. آیا به نظر شما این موسیقی این پتانسیل را دارد که بیشتر به هارمونی نزدیک شود و به صورت یک موسیقی آکادمیک دربیاید؟

بله، موسیقی ایرانی یک موسیقی جامع است. یعنی هم مدها و گام‌های موسیقی اروپایی را در دل دارد و هم ریتم‌های دیگر را. به دلیل مدها، گام‌ها و تونالیته‌های مختلف، کار کردن روی موسیقی ایرانی اصلا کار آسانی نیست. ولی به هر حال خیلی نکات ناگفته وجود دارد که شاید برای دنیا جالب باشد. امیدوارم یک روز جوان‌های ما به این پتانسیل پی ببرند و در پی آن باشند که موسیقی ایرانی را با شکوه تمام به دنیا معرفی کنند.

جدول ۱۳۴۴

افقی:

۱- سبک طبیعت گرایی در ادبیات- گناهکار ۲- کشور فلاسفه- آرزو- آرسنیک ۳- درخت جهنمی- عداوت- پروردگاری ۴- سگ بیمار- نام دلون بازیگر- مار خطرناک- پسوند شباهت ۵- کلام تنفر- لباس- نزاع کردن ۶- استاد مسلم سمفونی ملقب به «شوالیه دوموزار»- کار نسنجیده ۷- آبکی- کشور ساعت- قاضی ۸ -بیهوده- سوره زنان- صدای بلند و واضح- فراموشی ۹- کفن دزد- اجتناب‌کننده- قیمت بازاری ۱۰- جهان- کفش ۱۱- نا فرمان- جاده آهنی- ناراست ۱۲- من و تو- مالیدن- اهلی- پنهان داشتن ۱۳ -غنیمت شمردن- گردنبند اسارت- بی‌آن فطیر است ۱۴- کارش سفید کردن ظروف مسی است- اندک و ناچیز- بد اخم ۱۵- شکوه‌گر- تخم‌های این ماهی بسیار مغذی هستند

عمودی:

۱- کنایه از شعاع آفتاب- به حساب آوردن ۲- اداره رسیدگی به موقوفات- ناگزیر- گمراه کردن ۳- کوره نان پزی- آواز بلند- نیم صدای ساعت ۴- بدهی- طبل بزرگ- فیلمی از مسعود جعفر جوزانی ۵- رودی در فرانسه- حلال رنگ لاک ناخن- دوره‌ها ۶- مکتبی که با مایه گرفتن از هنر و ادب یونان و رم باستان به وجود آمده- پشیمانی ۷- خط لاتین- کلمه پرسشی- پایتخت چین- حرف همراهی ۸- کشوری عربی- اولین مخترع تلگراف- دانه خوراکی- گریبان ۹- نتی در موسیقی- زراعت- امید- ملیت گورباچف ۱۰- بهره وام- تهوع ۱۱- نوعی زمرد- دیاستاز- حرف فاصله ۱۲- گوهر سفید- عضو پرواز- خراسان قدیم ۱۳- کنار- اشاره به دور- اهل کاشان ۱۴- سرپرست- پسر یعقوب- محصول گیاه گون ۱۵- صاحب اختیار- طبق قانون اساسی پس از رهبری بزرگ‌ترین مقام رسمی است

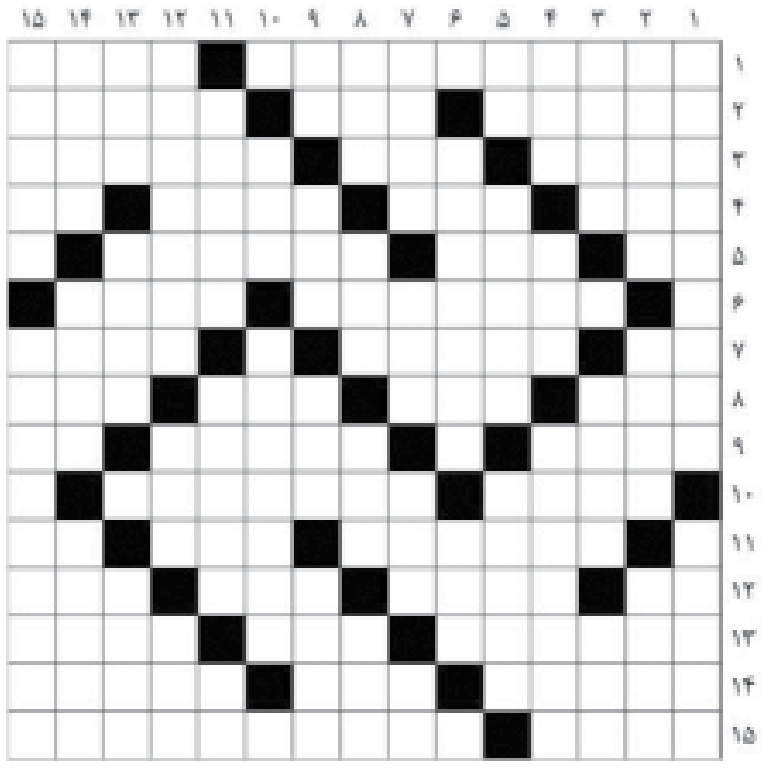

حل جدول ۱۳۴۳

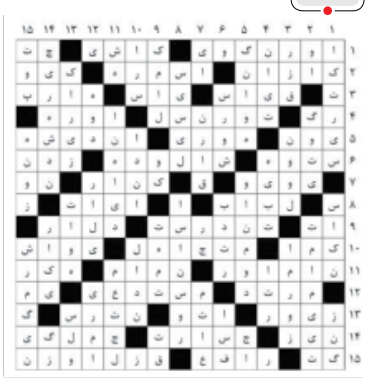

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۳۴۶

۵	۲	۸	۶	۴	۱	۳	۷	۹
۶	۹	۳	۷	۸	۵	۴	۱	۲
۴	۱	۷	۹	۳	۲	۶	۵	۸
۸	۶	۴	۵	۷	۹	۱	۲	۳
۹	۷	۱	۳	۲	۴	۸	۶	۵
۲	۳	۵	۸	۱	۶	۹	۴	۷
۷	۴	۹	۲	۶	۸	۵	۳	۱
۳	۵	۶	۱	۹	۷	۲	۸	۴
۱	۸	۲	۴	۵	۳	۷	۹	۶

سودوکو ۳۴۷

۶			۷	۸	۲	۵		
	۵		۴	۳			۷	۶
۷	۸			۶		۳		۴
	۷		۵		۶		۴	۸
۴		۸	۲		۱		۳	
۲					۳		۹	
۹	۲					۱	۸	
	۱	۷			۸	۴		
	۴			۱		۹	۵	

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.